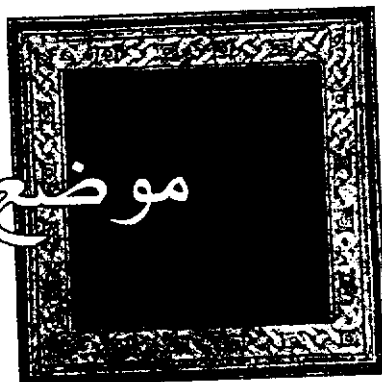


۳۷۵



# موضوع قرآن و پیامبر (ص) در باره شعر و شاعران

دکتر عنایت الله فاتحی نژاد

## چکیده:

با ظهور اسلام، شعر عربی به مرحله جدیدی گام نهاد. شاعران که در عصر جاهلی در خدمت آرمان های قبایل خود بودند با آغاز دوره رسالت پیامبر (ص)، به دو گروه یعنی شاعران مومن و مشرک تقسیم شدند. گروهی از قبیل حسان بن ثابت و عبدالله بن رواحه به خدمت اسلام درآمدند و با الهام از آیات وحی و تعالیم پیامبر اسلام (ص) تمام هنر شاعری خود را در راه اعتلای آرمان های اسلامی به کار بستند. رسول اکرم (ص) این شاعران را که تاثیر قرآن و اسلام در اشعارشان به وضوح نمایان است با آغوش باز پذیرفت و آنان را تشویق و ترغیب کرد تا با سرودن اشعاری در مدح و ستایش اسلام و مسلمانان و هجو دشمنان به میدان جهاد فرهنگی پای نهند و با شاعرانی از قبیل ابن زبیری که به صف مشرکان پیوسته بودند و با اشعار شرک آمیز، قصد متزلزل ساختن اهداف و آرمان های اسلامی داشتند به مبارزه برخیزند.

کلید واژه: اسلام، قرآن، پیامبر اسلام، ادبیات عرب، حسان بن ثابت، ابن زبیری، مضامین اسلامی، کعب بن زهیر، فتوحات، مشرکان، مسلمانان.

۱۸۰۷

از دیر باز شعر در میان عرب‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و شاعران در میان قبایل عرب جایگاه والایی داشته‌اند و در واقع می‌توان گفت هر شاعر، سخنگوی قبیله خود به شمار می‌رفته است. به هنگام بروز جنگ‌ها و کشمکش‌های قبیله‌ای شاعران با سرودن اشعار حماسی، جنگجویان را به دفاع از قبیله، تحریک و ترغیب می‌نمودند و چون پیروز می‌شدند در وصف شجاعت‌ها و رشادت‌های آنان اشعاری می‌سرودند و در مقابل به هجو دشمنان می‌پرداختند. اشعار و قصاید انبوهی که از شاعران جاهلی در منابع کهن ثبت شده خود دلیل بر اهمیت شعر و شاعری در عصر جاهلی است.

در صدر اسلام نیز به اشعار و قصاید فراوانی برمی‌خوریم که به مناسبت‌های مختلف از جمله ظهور اسلام، دعوت پیامبر (ص)، سرسختی مشرکان در برابر دین جدید، جنگ‌های مسلمانان با مشرکان و فتوحات اسلامی سروده شده‌اند (به عنوان مثال رک: ابن هشام، ۲۷۸۲-۲۷۹، ۲۹۰-۲۹۱، ۳۹۳، ۴۰، ۱۷۶). این مقدار انبوه از شعر، بیانگر آن است که شعر در صدر اسلام همچنان جایگاه و پایگاه خود را حفظ کرده است. با این حال برخی از قداما مانند ابن سلام (ص ۲۲) و ابن خلدون (۵۸۱/۱) و نیز گروهی از محققان معاصر (رک: جبوری، ۴۶-۴۷؛ فیصل، ۱۸۱-۱۹۰) برآنند که با ظهور اسلام، عرب‌ها سرگرم دین جدید و فتوحات اسلامی شدند و از شعر روی بر تافتند. از این رو شعر در صدر اسلام دچار رکود شد. به ویژه که قرآن نیز در سوره الشعراء (۲۲۴-۲۲۷) شاعران را مورد نکوهش قرار داده بود. در مقابل، گروهی از محققان معتقدند که جنگ‌های میان مسلمانان و مشرکان و یا فتوحات اسلامی باعث شد تا گروهی از جنگجویان مسلمان به هنگام رویارویی با دشمنان، احساسات خود را در قالب شعر بیان نمایند و آثار شعری بسیاری خلق کنند و بنا بر این جنگ‌ها و فتوحات در صدر اسلام نه تنها باعث ضعف و یارکود شعر نشد که خود باعث پیدایش نوعی رقابت در میان شاعران و در نهایت سبب شکوفایی شعر گردید (رک: ضیف، عصر اسلامی، ۴۲-۴۳). برخی از معاصران از جمله هامیلتون گیب (ص ۴۵) برآنند که شخص پیامبر (ص) موضعی خصمانه نسبت به شعر و شاعری داشته است و پس از وی جامعه اسلامی و حکمای الهی نیز تا مدت‌ها این موضع را حفظ کردند. اما لازم به توضیح است که برخلاف این گفته، پیامبر اسلام (ص)

صحیفه مبین، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش **۱۱۳**

نه تنها با سرودن شعر هیچ گونه مخالفتی نداشته بلکه در روایات بسیاری آمده است که آن حضرت در برخی غزوات برای تشویق جنگجویان، ابیاتی را زمزمه می کرده اند. در مغازی واقدی (ص ۴۴۹) از قول ابوسعید خدری نقل شده است که قبل از جنگ خندق، پیامبر (ص) در حفر خندق با دیگر مسلمانان مشارکت داشت و چون خاک بر سر و روی مبارکش پاشیده می شد این ابیات را زمزمه می فرمود: «اللهم لولا انت ما اهدتینا - ولا تصدقنا ولا صلینا». بنابراین شخص پیامبر با سرودن شعر هیچ گونه مخالفتی نداشته اند. به علاوه چنان که خواهیم دید شاعران بزرگی چون حسان بن ثابت نزد پیامبر از مقام و منزلت والایی برخوردار بوده اند. اما اینکه برخی به استناد آیه شریفه (الشعراء يتبعهم الغاوون ... ( برآند که قرآن با شعر و شاعران به مخالفت برخاسته، سخنی ناسنجیده است. زیرا در قرآن کریم به جز سوره الشعراء، در ۵ آیه دیگر کلمه شعر و شاعر آمده است: (الانبیاء، ۵؛ یس، ۶۹؛ الصافات، ۳۶-۳۷؛ الطور، ۲۹-۳۱؛ الحاقه، ۳۸-۴۱) و در هیچ یک از این آیات درباره شعر و یا شاعران، نظری مثبت یا منفی ارائه نشده است. بلکه در همه این آیات تاکید بر این است که پیامبر شاعر نیست و آنچه بر زبان وی جاری می شود سخن خداوند است و وحی الهی نه سخن یک انسان در قالب شعرانه لقول رسول کریم و ماهو بقول شاعر (الحاقه، ۴۰-۴۱). چون پیامبر (ص) آیات قرآن را بر مردم می خواند گروهی از مشرکان که نمی توانستند این نوع سخن گفتن جدید را در هیچ یک از سبک های شعر و خطابه جای دهند آن را الشعر می خواندند و پیامبر را شاعر. از این رو این آیات در رد گفته های مشرکان نازل شده و درباره شعر و یا شاعران نظری مثبت یا منفی ارائه نشده است. اما در سوره الشعراء که خداوند شاعران و پیروان ایشان را گمراهان خوانده است مراد، شاعران مشرکند و خداوند در این سوره شاعران را همچون دیگر مردم به دو گروه مشرک و مومن تقسیم کرده است و شاعران مومن را مستثنی کرده است الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات (الشعراء، ۲۲۷) از این رو پیامبر اسلام (ص) شاعرانی را که ایمان آورده اند همچون حسان بن ثابت و کعب بن زهیر با آغوش باز می پذیرد و آنان را تشویق و ترغیب می کند تا از هنر شاعری خود همچون سلاحی علیه دشمنان استفاده کنند. چنان که در باره حسان می فرماید: اهجهم فوالله لهجاءک علیهم اشد من وقع السهام فی غلس الظلام: دشمنان را هجو کن که به خدا سوگند ابیات

هجوآمیز تو برای دشمنان سهمگین تر از فرود آمدن نیزه هاست در تاریکی شب<sup>۱</sup> (ابن رشیق، ۱۲۸) و در جایی دیگر می‌فرماید: اهجهم و روح القدس معک: دشمنان را هجو کن که روح القدس با توست<sup>۲</sup> (ابن قتیبه، ۱۵۶/۱؛ بلاشر، 353-356/II، هارت، 42؛ ویت، 42-41) و از سوی دیگر با شاعرانی که با سروده های خود به مخالفت با اسلام برخاسته اند همچون کعب بن اشرف و نضر بن حارث به شدت مبارزه می‌کند و گاه مجازات های سنگین برایشان در نظر می‌گیرد (نک: ابن هشام، ۱۲/۳-۱۶؛ واقدی، ۱۸۴/۱-۱۸۶؛ ضیف، عصر اسلامی، ۵۰). البته درخور ذکر است که آنچه از شعر صدر اسلام به دست ما رسیده گرچه ممکن است از لحاظ حجم با اشعار عصر جاهلی برابری کند، از لحاظ استواری و جنبه های زیبا شناختی به شعر جاهلی نمی‌رسد.

در صدر اسلام به جز حسان بن ثابت و کعب بن زهیر که هر دو استعداد شاعریشان پیش از ظهور اسلام شکوفا شده بود، به شاعر مشهور دیگری که ویژگی خاصی داشته باشد، بر نمی‌خوریم. از نخستین شاعرانی که در مدح پیامبر (ص) اشعاری سروده اند اعشی قیس یا اعشی میمون که برخی او را از اصحاب معلقات دانسته اند (خطیب تبریزی، ۳۲۸-۳۴۸)، امیه بن ابی الصلت و ابو عزه را می‌توان نام برد. به روایت ابن اسحاق (سیره، ۳۷۵-۳۷۹) چون اعشی - که منابع او را نصرانی دانسته اند - در اواخر عمر، آوازه پیامبر (ص) و آیین جدید را شنید رو به مدینه نهاد و قصیده ای در مدح آن حضرت سرود. اما پیش از آنکه به حضور پیامبر (ص) رسد، درگذشت (رک: ابن هشام، ۳۷/۲-۳۹؛ ابن قتیبه، ۲۵۷/۱؛ نیکلسون، 124). ۲۵ بیت از این قصیده در منابع ثبت شده است که البته برخی از محققان معاصر در صحت آن تردید کرده اند (بلاشر، 322-325/III، طه حسین، ۲۴۱/۱-۲۴۲؛ ضیف، عصر جاهلی، ۳۴۱-۳۴۲). از دیگر شاعران این دوره که در مدح اسلام و پیامبر شعاری سروده اند امیه بن ابی الصلت (بلاشر، ۳۰۵/۲-۳۰۴) و ابو عزه (ابن هشام، ۶۶۰/۲) و برخی از نزدیکان پیامبر از قبیل ابوطالب، حمزه، ابوبکر، علی بن ابی طالب را می‌توان نام برد (رک: ابن هشام، ۳۰۲/۱، ۳۰۵-۳۱۱، ۲۳۵/۲-۲۳۶، ۲۳۸-۲۳۹، ۲۹۳، ۳۵۸-۳۵۹، ۳۶۰، ۱۴۹۳-۱۵۰؛ نیز رک: بلاشر، 307-308/III). علاوه بر اینها از عبدالله بن حارث، عباس بن مرداس (ابن قتیبه، ۳۰۰/۱؛ ابن هشام، ۳۵۷/۱-۳۵۹، ۸۴/۴-۹۴، ۹۵ و جم) و عدی بن ابی زغباء که گفته اند مورد ستایش پیامبر (ص)

صحیفه مبین، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش ۱۱۵

بوده (واقدی، ۸۷-۸۲) اشعار و قصایدی در مدح اسلام و مسلمانان باقی مانده است. همزمان با استقرار پیامبر (ص) در مدینه و بالا گرفتن دامنه مخالفت‌ها و کشمکش‌ها میان مسلمانان و مشرکان، بازار شعر و شاعری، رونق بیشتری یافت و شاعران بسیاری از میان هر دو گروه سر برآوردند. کسانی چون ابن زبیری و ضرار بن خطاب به امید بهره‌مندی از پاداش مخالفان پیامبر (ص) به هجو مسلمانان پرداختند (ابن هشام، ۹۶/۲). از سوی دیگر شاعرانی چون حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه در مدینه به صف مسلمانان پیوسته و با سرودن اشعاری در مدح پیامبر (ص) و هجو مشرکان به دفاع از اسلام برخاستند (بلاشر، ۳۱۱-۳۱۳/۱۱؛ دایرة المعارف ادبیات عرب، ۲۷۵). پیامبر (ص) آنان را سخت‌گرامی داشت و ایشان را تشویق فراوان کرد تا با سرودن اشعار خود که به روایتی (رک: ابن رشیق، ۱۲/۸) هر بیتش را برتر از ضربات شمشیر مجاهدان در میدان جنگ می‌دانست، به یاری اسلام برخیزند. در میان این گروه، حسان بن ثابت که نیمی از عمر خود را در جاهلیت سپری کرده بود و در نخستین سال هجرت به اسلام گروید، از شهرت بیشتری برخوردار است (ابن قتیبه، ۳۰۵/۸؛ بلاشر، ۳۱۱-۳۱۴/۱۱). از آن پس تبادل اشعار هجوآمیز میان مسلمانان و مشرکان ادامه یافت و به خصوص در جنگ‌های بدر، احد و خندق، شدت بیشتری یافت (رک: واقدی، ۱۱۹/۱، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳-۱۲۴؛ ابن هشام، ۲۰۲/۳-۲۱۸). چون شاعری از یک طرف در مدح و ستایش جنگاوران خود و هجو سپاه مقابل قصیده‌ای می‌سرود، از آن سوی شاعری دیگر با سروده‌ای (معمولاً با همان وزن و قافیه) او را پاسخ می‌گفت (مثلاً رک: ابن هشام، ۹۷-۹۸، ۲۳۵-۲۴۰). از میان شاعران قریش به جز کعب بن زهیر که با قصیده بانس سعادت شهرت فراوانی در ادبیات عرب به دست آورده، شاید هیچ‌کس شهرتش به ابن زبیری نرسد. وی از همان آغاز دعوت پیامبر (ص) به سختی با آن حضرت به ستیزه‌جویی برخاست، چنان‌که آیات بسیاری (از جمله آیه‌های ۱۰۱، ۱۰۲ از سوره‌الانبیاء، ۵۷، ۵۸؛ از سوره‌الزخرف و آیه ۲۶ از سوره‌الانعام) درباره وی نازل شد (ابن عباس، ۴۱۵؛ ابن هشام، ۱۳/۲-۱۴؛ قرطبی، ۴۰۵/۶-۴۰۶؛ ابن حجه، ۱۸۸). ابن زبیری و کعب بن زهیر که هر دو روزگاری دراز به ستیزه‌جویی با پیامبر (ص) پرداختند هر دو سرنوشتی مشابه دارند. سرانجام پس از آوارگی و در به دری بسیار، پس از فتح مکه (۸ق) با تقدیم مدایح به

۱۱۶۱ موضع قرآن و پیامبر (ص) درباره شعر و شاعران

پیامبر (ص) اظهار پشیمانی و طلب بخشش کردند و سرانجام مورد عفو آن حضرت قرار گرفتن (ابن سلام، ۸۳-۸۴؛ ابن قتیبه، ۱۵۵/۱-۱۵۶؛ واقدی، ۸۴۷/۲، ۸۴۸). چنان که معروف است کعب بن زهیر با اشعاری که در هجو اسلام سروده بود از سوی پیامبر مهدور الدم شد. وی مدتی را به آوارگی در میان قبایل گذراند و سرانجام به طور ناشناس بر پیامبر (ص) وارد شد و چون قصیده معروف بانث سعاد را با این مطلع: بانث سعاد و قلبی الیوم متبول - متیم اثرها لم یفد مکبول (ترجمه: سعاد رفت و امروز دلم دیوانه عشق اوست و در دام او اسیر. اسیری که کسی او را به فدیة آزاد نکرده است) را بر پیامبر (ص) خواند. حضرت، برده مبارکش را بر دوش او انداخت و او را مورد بخشش قرار داد. از همین رو این قصیده که به قصیده برده نیز معروف است در تاریخ ادبیات عرب شهرت فراوانی کسب کرده است.

اشعار این شاعران از لحاظ سبک و ساختار، تفاوتی با اشعار جاهلی ندارد و هر قصیده با تغزل و وصف معشوق آغاز می‌شود. شاعران با تقلید از شیوه پیشینیان و براساس یک الگوی کلیشه‌ای یعنی وصف آثار باقی مانده از معشوق سفر کرده (= اطلال و دمن) و وصف معشوق یا شراب (= نسیب) و فراق و جدایی، سپس اظهار شکوا و گلایه و سرانجام پرداختن به موضوع اصلی قصیده یعنی مدح یا هجاء یا رثاء، به سرودن شعر می‌پرداختند (رک: تاریخ ادبیات... کمبریج، ۳۶۹). چنان که قصیده معروف کعب بن زهیر بانث سعاد با ذکر معشوق (۶۰-۶۲؛ نیز رک: ابن هشام، ۱۴۶/۴-۱۵۳؛ ابن قتیبه، ۱۵۴-۱۵۵) و قصیده حسان بن ثابت در فتح مکه با وصف شراب (دیوان، ۳-۴؛ نیز رک: ابن هشام، ۶۳/۴-۶۵) آغاز می‌شود: کان خبیة من بیت رأس - یکون مزاجها عسل و ماء ... طعم دهان معشوق به طعم شراب بیت الرأس ماند که با آب و عسل در آمیخته باشند یا طعم سببی که کاملاً رسیده و یا وقت چیدنش باشد. شراب از همه نوشیدنی‌ها گواراتر و برتر است و هیچ نوشیدنی به پای آن نمی‌رسد. شاعر در ابیاتی دیگر می‌گوید: ولقد شربت الخمر من حانوتها - صهباء صافية کطعم الفلفل ... در میخانه شرابی سرخ و زلال با طعمی چون طعم فلفل سرکشیدم و آن ساقی گوشواره به گوش بی‌دری با ساغرش به سراغم آمد و مرا سیر نوشاند. وی درباره سریان مستی در وجود انسان چنین می‌گوید: و تدب فی الجسم دبیا کما - دب دبی وسط رفاق



صحیفه مبین، شماره ۳۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش ۱۱۷

هیام در تن می خزد همچون مورچه ای که آرام بر روی خاک نرم راه می رود. با استناد به این ابیات، در دوره اسلامی توجه به زن در شعر و یا حتی وصف شراب که البته برای مخاطبان موضوعی دلنشین بود و به گفته ابن قتیبه (ص ۷۵) آنان را آماده می کرد تا به موضوع اصلی قصیده گوش فرا دهند در شعر منع نشد. تنها محدودیتی که برای شاعران پیش آمد این بود که آنان حق نداشتند به وصف کشش های جسمانی معشوق و شرح ماجراهای عاشقانه گناه آلود آن گونه که در اشعار امر و القیس و دیگر شاعران جاهلی به چشم می خورد، پردازند و از این رو مقدمه تغزلی قصاید این دوره در مقایسه با دوره جاهلی مختصرتر است و معمولاً از ۳ یا ۴ بیت تجاوز نمی کند (رک: حسان، ۱۱-۱۴، ۱۵). جالب اینکه حسان در مرثیه هایی که برای پیامبر (ص) سروده گاه به جای وصف اطلال به وصف منبر و محراب و آثار باقی مانده از آن حضرت پرداخته است (ص ۸۹-۹۰). گویی شاعر در این قصاید بر آن بوده تا قالب و سبک معهود شعر عرب را دگرگون کند و در تغزل و تجلیل از معشوق، طرحی نو در اندازد.

از جمله تأثیراتی که اسلام بر شعر گذاشت این بود که شاعران با اینکه نتوانستند رابطه خود را با شعر کهن قطع کنند، با استفاده از همان قالب های کهن به جای مفاهیم و مضامین جاهلی با تشبیهات بی دریغ و تصاویر مبالغه آمیز به ستایش آرمان های جدید و مفاهیم و مضامینی که رنگ و بوی اسلامی داشت، پرداختند. چنان که کعب بن زهیر چون دریافته بود که اسلام بر وفای به عهد تاکید فراوان دارد و عهد شکنی را سخت نکوهش می کند، همین که در باره خلف وعده معشوق سخن می گوید، موضوع را اندکی بیشتر بسط و گسترش می دهد تا تاثیر کلام خود را در میان مسلمانان استحکام بخشد (ص ۲۹). همچنین مضامینی از قبیل دعوت به اسلام و جهاد در راه خدا، مبارزه با دشمنان دین و مدح پیامبر (ص) و یاران آن حضرت و ستایش جنگاوران و قهرمانان و وصف جنگ ها و ابزار و آلات جنگی و نیز کلماتی از قبیل قرآن، نبی، نبوت، رسول الله، وحی، امین الله، الرحمان، کفر، مؤمنین، مشرکین، قیامت، نافله القرآن، مسجد (رک: حسان، ۶، ۸، ۱۳، ۱۵، ۷۸، ۷۹، ۸۸، ۹۵؛ کعب بن زهیر، ۳۷-۳۸؛ لیلید، ۴۴، ۱۲۶) و نیز تضمین اجزاء برخی آیات (رک: حسان، ۷۹؛ لیلید، ۱۱۹، بیت ۵)؛ دراجی، ۶۶) و یا اقتباس صور و معانی قرآنی که در اشعار شاعران این دوره

فراوان به کار رفته (نیز رک: همو، ۶۶، ۱۰۳-۱۰۸) نخستین نشانه های تاثیر اسلام در شعر عرب است.

البته در این دوره علاوه بر شاعرانی که قلبا ایمان آورده و به صف مجاهدان اسلام پیوستند گروهی نیز گرچه به ظاهر مسلمان شده بودند، هنوز کاملا از سنت های جاهلی دست نکشیده و نمی توانستند خود را با شرایط جدید سازگار کنند. برخی عادات جاهلیان از قبیل شرابخواری و غزل سرایی به شیوه جاهلی که البته پیامبر اسلام (ص) آنها را ممنوع ساخته بود بارگ و خون آنان پیوند داشت. از میان این شاعران، ابومحجن ثقفی را می توان نام برد که در غزوه طائف (سال ۸ق) از جنگاوران دشمن بود (رک: واقدی، ۹۲۶/۲، ۹۳۰؛ طبری، ۸۹۳) و با اینکه در ۹ق به همراه قبیله خود نزد پیامبر (ص) آمد و مسلمان شد (ابن اثیر، ۲۹۰/۵) هرگز نتوانست از باده نوشی و وصف خمر و غزلسرایی دست بدارد (رک: ابوتمام، ۱۹۲؛ طبری، ۵۴۹/۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۸، ۲، ۱/۱۹، ۱۲، ۱۱) و بارها بدین سبب طعم تلخ تازیانه و تبعید را چشید (ابن سلام، ۱۰۳؛ قدامة بن جعفر، ۳۵۹؛ ابن قتیبه، ۳۳۷-۳۳۶/۱؛ بلاذری، فتوح، ۲۵۸). قطعاتی نیز که از اشعار وی برجای مانده، بیشتر به غزل و وصف باده اختصاص دارد و تقریبا از مضامین اسلامی تهی است (رک: بلاشر، ۲۷۹/۱۱؛ شیخو، ۲۴۱-۲۴۴). گروهی دیگر از شاعران این دوره که از عاقبت شراب خواری و غزل سرایی به خوبی آگاه بودند، از ترس تازیانه و مجازات های سنگین به ناچار شهرهای مکه و مدینه را رها کرده به صحراهای امن پناه بردند و گروه اندکی که باقی ماندند شیوه جدیدی در تغزل پیش گرفتند و آن غزل سرایی با کنایه و رمز بود که در واقع نوعی ابداع و تحول به شمار می رود. اینان به جای نام معشوق نام درخت یا حیوانی را در اشعارشان می آوردند و نسبت به آن غزلسرایی می کردند. از میان این شاعران، حمید بن ثور هلالی را می توان نام برد که از شاعران مخضرم جاهلی و اسلامی است وی در غزوه حنین در صف مشرکان بود و پس از آن اسلام آورد (ابن قتیبه، ۳۹۰/۱-۳۹۴). بنا به روایتی که در اغانی (ابوالفرج، ۳۵۶/۴-۳۵۷) آمده است عمر بن خطاب شاعران را از غزلسرایی منع کرد و دستور داد هر کس را که غزل بسراید تازیانه زنند و بدین سان شاعران از تغزل روی برتافتند. حمید بن ثور در ابیاتی (همانجا) به وصف درختی که سمبل معشوق است، می پردازد و نسبت به آن اظهار



صحیفه مبین، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۸۵ ش ۱۱۹

عشق می‌کند. این درخت چون معشوق در حسن و جمال بی همتاست. قامتش بلند، بوی خوشش روح افزا و سایه اش پناهگاه تشنگان و خسته دلان است (فیصل، ۲۰۰-۲۰۱). شاعر در ابیاتی دیگر حدیث عشق را از زبان کبوتری یاد می‌کند که آوازش چنان دلنشین است که چون پیری فرتوت آن را بشنود جوانیش را به یاد آورد و ناله و شیون سر دهد (همو، ۲۰۴-۲۰۸). حمید برای بیان احساسات و عواطف عاشقانه، علاوه بر استفاده از رمز و کنایه به قصه پردازی نیز روی می‌آورد و احساسات خود را در قالب داستان‌های تخیلی و از قول دیگران بیان می‌کند که بعدها این شیوه به دست عمر بن ابی ربیع شاعر غزلسرای عصر اموی به اوج خود می‌رسد.

چون به عهد خلفای راشدین می‌رسیم حجم بسیاری از اشعار شاعران به موضوع فتوحات، اختصاص می‌یابد. فتح ایران و مصر و شام همان گونه که جنگجویان مسلمان را سرمست و هیجان زده می‌کرد در میان شاعران نیز که اغلب خود از جنگجویان بودند، شور و هیجانی خاص بر می‌انگیخت تا فریاد جنگجویی و پیروزی را در قالب اشعار حماسی سر دهند. جنگ قادسیه و نهاوند که به پیروزی عرب‌ها بر ایرانیان انجامید در اشعار شاعرانی چون ابو محجن ثقفی، اسود بن قطبه، عروه بن زید، عبده بن طیب (ضبی ۱۳۴-۱۴۹؛ ابن قتیبه، ۴۲۳/۱ و ۷۲۷/۲-۷۲۸) و عمرو بن معدی کرب انعکاس یافته است (ابن قتیبه، ۳۷۳/۱-۳۷۴؛ ضیف، عصر اسلامی، ۶۲-۶۴).

در دوره خلفای راشدین اندک اندک تأثیر قرآن در اشعار شاعران نمود بیشتری می‌یابد. کلمات، ترکیب‌ها و معانی به برکت قرآن عمیق‌تر می‌شود و شاعران با الهام از آیات قرآن مضامینی جدید خلق می‌کنند. سفارش به تقوا، نیکی به پدر و مادر، عمل صالح و نکوهش غیبت که در اشعار لیبید و دیگر شاعران این دوره دیده می‌شود همه مضامین جدیدی هستند که شاعران از آیات قرآن وام گرفته‌اند (رک: لیبید، ۹۲؛ ضیف، همان، ۹۴؛ بلاشر، ۲۷۶/۱۱). همچنین تضمین آیات قرآن از قبیل اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا (الزلزال، ۱) اِعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ (آل عمران، ۱۰۳) در اشعار حسان بن ثابت، عبده بن طیب (طیب)، سوید بن ابی کاهل یشکری و حصین بن الحمام، که البته برخی از ایشان از شهرتی چندانی برخوردار نیستند، فراوان به چشم می‌خورد (حسان، ۸۰؛ ضیف، همان، ۷۰-۷۱؛ ضبی، ۱۴۶، ابیات ۷ و ۸). علاوه بر این، حوادث مهم این دوره بخصوص ماجرای کشته شدن عثمان

۱۲۰ موضع قرآن و پیامبر (ص) درباره شعر و شاعران

(ابن مزاحم، ۷۹-۸۰، ۸۳-۸۴) اختلافات میان علی (ع) و معاویه (همو، ۱۳۹)، جنگ های صفین (همو، ۱۹۳-۱۹۵، ۱۹۵، ۳۵۷، ۳۰۷-۳۵۹ و جم) خندق و جمل در اشعار شاعرانی چون ایمن بن خریم، کعب بن جعیل، نابغه جعدی به خوبی انعکاس یافته است (ابن مزاحم، ۱۳-۱۴، ۵۶-۵۷؛ ضیف، همان، ۱۰۱، ۱۰۴).

### ● منابع

علاوه بر قرآن کریم:

- ۱- ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، بیروت، ۱۴۰۲/ق ۱۹۸۲ م.
- ۲- ابن اسحاق، محمد، السیر و المغازی، قونیه، ۱۹۸۱ م.
- ۳- ابن حجة، علی، ثمرات الوراق، به کوشش مفید محمد قمیحه، بیروت ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳ م.
- ۴- ابن خلدون، عبدالرحمن، المقدمة، بیروت، ۱۹۸۴ م.
- ۵- ابن داوود، ابوبکر، کتاب الزهرة، شیکاگو، ۱۹۳۲ م.
- ۶- ابن رشیق، العمدة فی محاسن الشعر و آدابه و نقده، به کوشش محیی الدین عبدالحمید، بیروت، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۷ م.
- ۷- ابن سلام، محمد، طبقات الشعراء، به کوشش محمود محمد شاکر، قاهره، ۱۹۵۲ م.
- ۸- ابن عباس، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۹- ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، الشعر و الشعراء، به کوشش یوسف نجم و احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۴ م.
- ۱۰- ابن مزاحم، نصر، وقعة صفین، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ ق.
- ۱۱- ابن هشام، السیرة النبویة، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۶/ق ۱۹۹۶ م.
- ۱۲- ابونتمام، حبیب بن اوس، کتاب الوحشیات، به کوشش عبدالعزیز میمنی راجکوتی و محمود محمد شاکر، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
- ۱۳- ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، بولاق، ۲۸۵ ق.
- ۱۴- بلاذری، احمد، فتوح البلدان، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۶۶ م.
- ۱۵- جبوری، یحیی، شعر المخضرمین و اثر الاسلام فيه، بیروت، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۷ م.

- ۱۶- حسان بن ثابت، دیوان، به کوشش عبدالرحمن برفوقی، قاهره، ۱۳۴۷ق/۱۹۲۹م.
- ۱۷- خطیب تبریزی، بحیی، شرح القصائد العشر، به کوشش عبدالسلام حوفی، بیروت، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
- ۱۸- خفاجی، محمد عبدالمنعم، الحياة الادبية في عصر صدر الاسلام، بیروت، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م.
- ۱۹- دراجی، محمد عباس، الاشعاع القرآنی فی الشعر العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.
- ۲۰- شیخو، لويس، المجانی الحديثة، بیروت، ۱۹۷۲م.
- ۲۱- ضبی، مفضل بن محمد، المفضیات، به کوشش حمد محمد شاکر و عبدالسلام محمد هارون، قاهره، بی تا.
- ۲۲- ضیف، شوقی، تاریخ الادب العربی (العصر الجاهلی)، قاهره، ۱۹۷۶م.
- ۲۳- همو، تاریخ الادب العربی (العصر الاسلامی)، قاهره، ۱۹۷۶م.
- ۲۴- طبری، محمد، تاریخ الأمم و الملوک، به کوشش محمد ابو الفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م.
- ۲۵- طه حسین، من تاریخ الأدب العربی، بیروت، ۱۹۸۱م.
- ۲۶- فیصل، شکرى، تطور الغزل بين الجاهلية و الاسلام، دمشق، ۱۳۷۹ق/۱۹۵۹م.
- ۲۷- عباس، احسان، شعر الخوارج، بیروت، ۱۹۱۴م.
- ۲۸- قدامة بن جعفر، الخراج و صناعة الكتابة، به کوشش محمد حسین الزبيدى، بغداد، ۱۹۸۱م.
- ۲۹- قرطبی، محمد، الجامع لا حکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۳۰- کعب بن زهير، دیوان، به کوشش حنا نصر حتى، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.
- ۳۱- گیب، هاميلتون، درآمدی بر ادبیات عرب، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ۱۳۶۲ش.
- ۳۲- لبيد بن ربيعة، دیوان، بیروت، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م.
- ۳۳- نص، احسان، الخطابة العربية في عصرها الذهبی، قاهره، ۱۹۶۳م.
- ۳۴- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م؛ و نیز:

35- Blachere.R, *Historie de la litterature Arabe*, Paris 1964.

36- Hurt.CL, *Histories Des Litteratures Litterature Arabe*, Paris 1923.

37- Nicholson, A.R, *A Literary History of the Arabs*, Cambridge 1953.

38- *The Cambridge History of Arabic Literature Arabic Literature to the End of the Umayyad Period*, Cambridge 1983.

39- *Encyclopedia of Arabic Literature*, New York 1998.

40- Wiet. G, *Introduction A La litterature Arabe*, Paris 1966.